

## اصل احتیاط در حقوق علوم کشاورزی و محیط زیست\*

علیرضا محمدزاده وادقانی\*\*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۳/۲۴)

### چکیده

رشته‌های حقوق علوم کشاورزی و محیط زیست متکی بر یک سری اصول هستند که از آن‌ها با عنوان خانواده اصل هوشیاری یاد می‌شود. در میان این اصول، اصل احتیاط دارای اهمیت ویژه و کاربرد فراوان است. این اصل که منشأ تعهدات و الزامات متعدد برای مسئولان عمومی و فعالان بخش خصوصی در این حوزه‌هاست، در متون حقوقی متعدد بین‌المللی و ملی وارد شده و به‌طور مرتب محل استناد رویه قضایی است. تعیین مفهوم و چارچوب حقوقی این اصل و نیز روند استقرار آن موضوع این نوشته است که برای گشایش پژوهش‌های بیشتر و بهتر در رشته‌های یادشده به عرصه پژوهش عرضه می‌شود.

### واژگان کلیدی

آیین‌نامه ۱۷۸/۲۰۰۲ پارلمان و شورای اروپا، اصل احتیاط، اصل پیشگیری، امنیت غذایی، جنون گاوی، خطر، ریسک، محصولات تراریخته، محیط زیست، معاهده ریسو ۱۹۹۲، موافقت‌نامه بهداشت و بهداشت گیاهی سازمان تجارت جهانی ۱۹۹۴ م.

\* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی اجراشده با عنوان «حقوق کشاورزی» است.

## ۱. مقدمه

اصل احتیاط به‌عنوان اصلی از مجموعه اصول خانواده اصل هوشیاری بیش و پیش از سایر اعضای خانواده در جرگه حقوق بین‌الملل و نظام‌های حقوق ملی به‌ویژه در رشته حقوق محیط زیست و حقوق امنیت غذایی با موفقیت و درخشش همراه بوده است<sup>۱</sup>، به‌طوری که برخی با عنوان اصل طلایی از آن سخن گفته‌اند (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۰).<sup>۲</sup> در جهان غرب عنوان درشت صفحه اول روزنامه‌ها به‌مناسبت پرونده‌هایی نظیر گاو مجنون، مرغ‌های بلژیکی آلوده به دی‌اکسین و پخش موجودات زنده تراریخته در محیط، به این اصل اختصاص یافته است. این اصل که موضوع بحث و تحلیل اندیشمندان حقوق بوده و قضات در کشورهای متعدد به آن استناد کرده‌اند، به‌تدریج در متون بین‌المللی و مصوبات اتحادیه اروپا و قوانین ملی به‌طور صریح و یا تلویحی وارد شده است. اصل احتیاط به‌طور غیرمستقیم در مقدمه معاهده آمستردام که با هدف حمایت از محیط زیست در توسعه پایدار وضع گردیده، و به‌طور مستقیم در معاهده تنوع زیستی مصوب ۱۹۹۲م ریو (اصل پانزدهم) و نیز در معاهده ماستریخ (تأسیس‌کننده اتحادیه اروپا) به‌عنوان یکی از اصول مبنایی در تعریف تمامی سیاست‌های اتحادیه قرار گرفته است. همچنین در قانون حفاظت از محیط زیست مصوب ۱۹۹۵م فرانسه معروف به قانون بارنیه<sup>۳</sup> و در قانون برنامه توسعه پایدار بلژیک مصوب ۲۰۰۰م به‌عنوان یکی از پنج اصل مبنایی توسعه پایدار (مواد ۲۴ و ۲۵) به‌طور صریح و در لایحه قانونی ایمنی زیستی ۱۳۸۸ش ایران به‌طور تلویحی به آن ارجاع داده شده است.

با وجود این، می‌توان گفت که هنوز راز و رمزهای اصل احتیاط محصور در چارچوب حقوقی آن شکافته نشده و پرسش‌های متعددی در خصوص آن مطرح است. مفهوم و محتوای آن چیست، جایگاه و موقعیت آن کدام است، آیا ویژگی‌های اصل حقوقی را دارد؟ از جهت حقوقی دارای ماهیت مشخص و منشأ آثار حقوقی است یا اینکه با توجه به ماهیت رشته حقوقی که به آن مربوط می‌شود متغیر است؟ اجرای آن چگونه است، آیا در نبود ضوابط

۱. مهم‌ترین اعضای خانواده اصل هوشیاری (le principe de prudence) عبارت‌اند از: اصل پیشگیری (Prévention)، اصل جبران خسارت (Le Principe de Réparation)، اصل آلوده‌کننده-توان‌دهنده (Le Principe de Polluant-Payeur)، اصل پیوستگی (Le Principe d'intégration)، اصل شفافیت (Le Principe de non discrimination)، اصل معافیت (Le Principe d'exonération)، اصل عدم تبعیض (Le Principe de Proportionalité)، اصل اطلاع‌رسانی (Le Principe d'informer)، اصل ردیابی (Le Principe de Tracabilité) و اصل احتیاط (le principe de précaution).

۲. ر.ک. رمضانی قوام‌آبادی، محمد حسین (۱۳۹۰)، پیشگیری و سرکوب جرائم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۵.

خاص به طور مستقیم قابلیت اجرا دارد، آثار و عواقب اجرای آن در فعالیتهای اقتصادی و صنعتی کدام است؟ این اصل در رویارویی با چه نوع خطرهایی مناسب اجرایی دارد، و در صورت اجرا چه نوع موازینی باید اتخاذ شود؟

هدف از این نوشته پاسخ به پاره‌ای از این پرسش‌ها در خصوص اصل احتیاط است؛ به این منظور در آغاز، پیشینه، تعریف و تبیین آن با عنوان مفهوم بررسی می‌شود، سپس ویژگی‌ها و اعتبار آن با عنوان ماهیت حقوقی، کنکاش خواهد شد.

## ۲. مفهوم

هرچند پیشرفت‌های حاصل از نوآوری در زمینه علم و فناوری در دهه‌های اخیر موجب تحول عظیم در زندگی بشر و بهبود آن شده و به این لحاظ اعتقاد نسبت به این پیشرفت‌ها کماکان پابرجاست، اما بدگمانی نسبت به آن نیز میان برخی از افراد به طور چشمگیری افزایش یافته است. به مناسبت اتفاقاتی نظیر انتقال و تزریق خون آلوده به ویروس سیدا، انتقال بیماری‌های حیوانی به انسان و بیماری‌های ناشی از تشعشعات اتمی و امواج الکترومغناطیسی، شهروندان، به ویژه اروپاییان، حساسیت بالای خود را نسبت به خطرهای احتمالی شرایط مدرن اموال مصرفی صنعتی ابراز داشته‌اند.

در قرن بیستم مقابله و مهار خطرهای انفرادی بر اساس تفکر همیاری و معاضدت جمعی با وضع انواع نظام‌های تأمین اجتماعی راهکاری مناسب و کارا تلقی می‌گردید. اما امروزه این نهادها در برخی زمینه‌ها کارایی لازم را ندارند. بعضی از اقشار اجتماعی درگیر در روند توسعه محروم از آن‌اند، و افراد محروم از نظام حمایتی که در گذشته دارای وضعیت عادی بوده‌اند، رو به افزایش هستند. به این ترتیب این گفته که پیشرفت فنی و در نتیجه رونق اقتصادی، توسعه و امنیت اجتماعی برای همگان به ارمغان می‌آورد، با تردید جدی روبروست.

ادعای کنترل خطرهای فناوری نو با بروز یک سری رخدادها که برخی نیز جنبه تکرار به خود گرفته، از اعتبار آن به شدت کاسته است. خطر فناوری نو از حوزه کاملاً خصوصی (سلامت و مواد غذایی) گذشته و هویت فرد (تغییر ژن و تولید مثل غیرواقعی) را نشانه رفته است. نهادهای تأمین‌کننده امنیت در جامعه که ناتوان در انجام وظیفه خود هستند، اعلام می‌دارند که در آینده نیز قادر به انجام کامل آن نخواهند بود، زیرا با اتفاقاتی روبرو هستند که خارج از حیطه ضوابط و قواعد حاکم موجود می‌باشد. بارها مشاهده شد که نقص و ایراد در چارچوب قوه قاهره قابلیت توجیه ندارد، بلکه ناشی از کوتاهی در تصمیم‌گیری مقامات دولتی یا اشتباه قضایی و یا ناشی از رعایت منفعت اقتصادی به ضرر سلامت عموم بوده است.

بدین سان، فناوری نو فضایی آکنده از شک و تردید ایجاد کرده است؛ از یک سو منفعت قطعی آن‌ها متزلزل، و ابزارهای مهار خطرهای ناشی از آن ناتوان و ناکارا ظاهر شده، و از سوی دیگر فرضیه‌های علمی مربوط که تصور می‌شد بر اساس آن خطرها مهار شوند، فاقد اعتبار قطعی و حتمی اعلام گردیده است. به این شکل یکباره شاهد زیر سؤال رفتن عملکرد نهادهای عمومی، خصوصی، دانشمندان، کارشناسان و مدیران هستیم.

در چنین فضایی از بدگمانی، اصل احتیاط به عنوان ناجی، از یک سو در خصوص مؤسسات فناوری و از سوی دیگر در پیوند با نهادهای عمومی، برای تغییر جهت هدایت جمعی در مهار خطرها مطرح می‌شود.

چشم‌انداز سیاسی اصل، ترمیم اعتماد از دست رفته نهادهای عمومی، علمی و فنی و اداره منطقی خطرهاست. برخی گفته‌اند که احتیاط محل پیوند منطقی و ترس، و مرکب از این دو جزء است که هر یک به طور مستقل در شرایط مدرن می‌توانند به دیوانگی منجر شوند. دیوانگی منطقی علمی و فنی که مدعی داشتن توانایی کنترل هر امری است؛ در حالی که واقعیت ندارد. همچنین دیوانگی ترس که می‌تواند منجر به رکود و سکون اقتصادی، و حذف آن موجب گسست گروه‌های اجتماعی و خشونت میان آن‌ها شود. احتیاط عبارت است از لحاظ نمودن ترس جامعه از فناوری نو در عنصر خطر و تصمیم‌گیری برای اینکه به بافت و ارزش‌هایی که روابط اجتماعی بر اساس آن‌ها بنا شده است، آسیبی وارد نکند (Olivier Godard, 2000: p. 21).

بدین سان اصل احتیاط در زمینه اداره خطرهای ناشی از فناوری نو مطرح شده، و جنبه مرجع پیدا می‌کند؛ بدون اینکه از جهت مفهوم و موقعیت، محل اتفاق نظر باشد. این اصل اغلب به عنوان راه‌حل برای مشکلاتی مطرح می‌شود که در آن‌ها مسئولان باید در مقابل ریسک و خطرهایی که طبیعت آن‌ها از نظر علمی به طور قطعی مشخص نشده است، رفتار جمعی اتخاذ نمایند. طرح اصل احتیاط بیانگر وضعیت ابهام و خطر در جامعه است، بدون اینکه به طور مشخص راه‌حلی ارائه دهد. این اصل بیانگر نوعی انتخاب از طرف مسئولان جامعه در تأمین امنیت و آسایش برای شهروندان است؛ تصمیمی سیاسی که باید در شرایط علمی تردیدآمیز گرفته شود.

در تعریفی از اصل احتیاط آمده است: مدیریت ریسک در وضعیت علمی احتمالی و اجرای عملی آن در مقابل ریسک و خطری بالقوه شدید بدون در انتظار ماندن نتایج پژوهش‌های علمی است (Henri Belveze, 2000: p. 42, 43).

برابر معاهده ریو مصوب ۱۹۹۲م، اجرای اصل احتیاط زمانی است که دلایل منطقی برای نگرانی وجود دارد؛ یعنی اگر ثابت شود که مواد می‌توانند برای سلامتی انسان و منابع طبیعی خسارت‌زا باشند، حتی در نبود دلایل مبنی بر اینکه وجود چنین موادی موجب فلان نوع

خسارت می‌شود، موازین احتیاط باید اتخاذ گردد. در معاهده ریو اشاره به خسارات عمده یا غیرقابل ترمیم، فهم مطلب را روشن‌تر می‌کند. اگر بخواهیم منتظر بمانیم تا آثار خسارت بار یک فعالیت انسانی ثابت و محرز گردد، شاید ابعاد خسارت چنان وسعتی پیدا کند که ترمیم آن غیرممکن شود. به عبارت دیگر، حتی احتمال ضعیف رخ دادن برخی خسارات، اتخاذ تدابیر در مقابل آن را برای محافظت از انسان و طبیعت مشروع می‌کند. به همین ترتیب است که در پزشکی وقتی دارو و درمان در زمان مناسب صورت نگیرد، بیماری غیرقابل علاج (غیرقابل ترمیم) می‌شود. به این ترتیب، اصل احتیاط چیزی جز نسخه‌ای از درایت و فرزانه‌گی که در قدیم مطرح بوده است، نیست (jean-yve Goffi, 2000: p. 204).

اصل احتیاط با اصل خطر و عدم قطعیت گره خورده است. عدم قطعیت وضعیتی است که در آن می‌توان در یک فعالیت انسانی مداخله نمود؛ پیش از آنکه به نحو قطعی رابطه علیت میان آن فعالیت و برخی از انواع خسارت‌ها ثابت شود. همین‌که پذیرفتیم برخی فعالیت‌های انسانی می‌تواند دارای عواقب زیان‌بار باشد، محل اعمال اصل بر این نوع فعالیت‌ها ایجاد شده است؛ هرچند امکان اثبات درجه احتمال تحقق آن وضعیت مقدور نباشد. برای مثال، وقتی که گفته می‌شود امکان یک در میلیون وجود دارد که در صورت انفجار بمب هیدروژنی تمامی بخار آب اتمسفر از بین برود و به این ترتیب یک فاجعه زیست‌محیطی رخ دهد، زمینه اجرای این اصل فراهم است.

برخلاف روش سنتی که بر اساس آن همواره آخرین گزارش‌ها و کارشناسی‌های علمی پذیرفته شده از سوی اکثریت ملاک تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد، اصل احتیاط ملزم می‌کند که تئوری‌های علمی فرعی و مخالف نیز به حساب آید. بنابراین اگر احتمال ضعیفی برای درستی نظریه‌ای که از جانب اقلیت مطرح شده است قائل باشیم، در این صورت «دلایل معقول نگران شدن» واژه به‌کار رفته در اعلامیه ریو محقق شده است.

اصل احتیاط به نوعی عبارت است از زیر سؤال بردن تفکر مدرن پیشرفت. فناوری که منشأ تولید آثار غیرقابل پیش‌بینی است و در مهار داده‌ها نامطمئن است. در یک چنین وضعیت آکنده از عدم قطعیت، احتیاط ایجاب می‌کند عواقب نامطلوب مقایسه شوند و تصمیم در مسیری گرفته شود که کمترین عواقب بد را به دنبال دارد. بنابراین اقدامات برای جلوگیری از اتفاقات بد و بدتر است. بدین‌سان اصل احتیاط به‌عنوان استراتژی حکیمانه در اداره جهان نامطمئن مدرن امروزی مطرح می‌شود. این اصل مبتنی بر این تفکر است که فنون مادی خود قطعیت‌ناپذیرند؛ فزونی که امروزه جنبه سرنوشت پیدا کرده است.

تکنیک یعنی وسیله مهار که خود نیازمند مهار شدن است و این مهار شدن با داشتن تضمین و اطمینان فاصله دارد. زمینه اعمال اصل احتیاط، تردید است. درواقع این تردید،

آمیخته با یأس نیست که منجر به ترک فعل شود، بلکه موجب حرکت است. در تعیین ابعاد مفهومی آن باید گفت، وقتی دلایل منطقی بر وجود رابطه علیت میان یک فعالیت انسانی و نوعی خسارت وجود دارد، مشروع و زیننده است که در آغاز فعالیت برای جلوگیری از خسارت مداخله نمود؛ حتی اگر در عمل رابطه علیت وجود نداشته باشد.

فناوری در زندگی بشر افزون بر آورده‌های مثبت و غیرقابل انکار، ناآرامی و عدم اطمینان به همراه داشته؛ درحالی که از آن انتظار آینده درخشان و آرام می‌رفته است. گویا مهار عواقب ناخواسته ممکن نیست، بلکه سعی بر هدایت و اداره آن‌هاست؛ امری که به نظر می‌رسد اصل احتیاط بیانگر آن است.

این اصل در متون متعدد بین‌المللی و ملی به‌طور صریح و یا ضمنی وارد و حاکم شده است.<sup>۱</sup> در معاهده ریو در زمینه تنوع زیستی مصوب ۱۹۹۲ م طی اصل پانزده آمده است: «وقتی تنوع زیستی مورد تهدید کاهش قابل توجه یا حذف است، عدم قطعیت علمی نباید در به‌تعویق انداختن اتخاذ موازین جلوگیری یا کاهش چنین تهدیدی به‌عنوان دلیل معتبر شمرده شود.

با هدف صیانت از محیط زیست، مفهوم احتیاط از سوی کشورها برحسب امکاناتشان وقتی ریسک خسارات شدید یا غیرقابل جبران مطرح باشد، باید به‌طور گسترده اعمال شود». ماده ۱۳۰ معاهده ماستریخ مقرر داشته که «سیاست اتحادیه در زمینه محیط زیست بر اساس اصل احتیاط و رویه پیشگیری بنا شده است».

اعلامیه ۱۳ ژوئن ۱۹۹۲ در خصوص محیط زیست اعلام داشته است: «به‌منظور حفظ محیط زیست، کشورها باید برحسب ظرفیت خود موازین احتیاط را به‌طور گسترده اعمال کنند. در صورت ریسک خطر شدید یا غیرقابل جبران، فقدان قطعیت علمی مطلق نباید به‌عنوان بهانه‌ای برای به‌تأخیر انداختن اعمال موازین عملی در جلوگیری از تخریب بیشتر محیط زیست به‌کار رود».

۱. اعلامیه وزارتی کنفرانس بین‌المللی صیانت از دریای شمال در ۱۹۹۲ م Breme بیان داشته است: «کشورها برای اقدام نباید منتظر بمانند تا خسارت به محیط زیست وارد شود».

در اعلامیه وزارتی دومین کنفرانس صیانت از دریای شمال، لندن ۱۹۸۷ م، آمده است: وزرا برای اقدام در کاهش صدور مواد آلاینده پایدار، مضر و کاهش‌دهنده مواد حیاتی، به‌ویژه وقتی که دلایلی مبنی بر مخرب بودن آن بر حیات دریایی وجود ندارد و حتی اگر رابطه علیت میان این افعال و آثار موجود از نظر علمی وجود نداشته باشد، موافقت می‌نمایند.

معاهده اسپار ۱۹۹۲ م مقرر داشته است: وقتی دلایل جدی نگرانی وجود دارد، حتی اگر دلیل قطعی رابطه علیت بین عمل و آثار مفروض وجود نداشته باشد، موازین پیشگیری باید اتخاذ گردند.

همچنین معاهده هلسنکی به تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۹۲ در خصوص حمایت و استفاده از آب‌های بین‌المللی و دریاچه‌های بین‌المللی، متعاهدان را مقید به رعایت اصل احتیاط کرده است.

موافقت‌نامه ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ سازمان تجارت جهانی در خصوص موازین بهداشتی و بهداشت گیاهی معروف به موافقت‌نامه «اس. پی. اس» در بند ۷ ماده ۵ مقرر می‌دارد: «کشور عضو می‌تواند در مواردی که دلایل علمی قطعی و کافی وجود ندارد، به‌طور موقت بر اساس اطلاعات موثق موجود، موازین بهداشتی و بهداشت گیاهی، از جمله معیارهای ناشی از نهادهای بین‌المللی صالح و نیز موازین بهداشتی و بهداشت گیاهی اجرا شده در سایر کشورهای عضو را اتخاذ نماید. در چنین شرایطی اعضا هم خود را بر تحصیل اطلاعات تکمیلی لازم برای ارزیابی عینی‌تر از ریسک و بررسی موازین بهداشتی و بهداشت گیاهی در یک مدت معقول به‌کار خواهند برد».

در بند ۳ ماده ۳ موافقت‌نامه مقرر شده است:

«اعضا دارای اختیار وضع یا حفظ موازین بهداشتی یا بهداشت گیاهی در سطحی فراتر از آنچه به‌موجب موازین مبتنی بر ضوابط، دستورالعمل‌ها یا توصیه‌نامه‌های بین‌المللی معتبر قابل اجراست، می‌باشند؛ چنانچه دارای توجیه علمی باشد یا به نظر عضو سطح حمایت بهداشتی یا بهداشت گیاهی مناسب آن را ایجاد کند».

در بند ۵ ماده ۵ آمده است:

«به‌منظور تأمین انسجام در اجرای مفهوم سطح مناسب حمایت بهداشتی یا بهداشت گیاهی در برابر ریسک‌های سلامتی یا زندگی اشخاص، حیوانات یا حیات نباتات، هریک از اعضا از اعمال تفکیک غیرمنصفانه یا غیرموجه درباره سطحی که به نظر آنان مناسب است احتراز خواهند کرد؛ چنانچه چنین تفکیکی موجب تبعیض یا محدودیت به‌شکلی فریبنده در تجارت بین‌الملل گردد».

پر واضح است که به‌کارگیری «اصل آزادی تعیین سطح مناسب حمایت بهداشتی» چیزی

جز اشاره به اصل احتیاط نیست (Francois Collart du Tilleul, 2003: p. 242).

حقوق اتحادیه‌ای در متون حقوقی متعدد پیش از سال ۲۰۰۱ م به‌طور تلویحی به اصل احتیاط ارجاع داده و از این سال، جهت‌گیری قاطع در مسیر اصل احتیاط به‌طور صریح است. دستورالعمل ۲۰۰۱/۹۵ پارلمان و شورای اروپا به تاریخ ۳ دسامبر ۲۰۰۱ در زمینه امنیت محصولات در بند ۲ ماده ۸ به‌صراحت اصل احتیاط را اعلام می‌دارد: «وقتی که مقامات صالح کشورهای عضو تصمیماتی مثل آنچه که در بند ۱ مقرر شده، به‌ویژه آنچه طی شماره‌های دی تا اف بیان شده است، اتخاذ می‌نمایند، عمل آن‌ها در راستای رعایت معاهده به‌ویژه مواد ۲۸ تا ۳۰ است، به‌طوری که به‌کارگیری این موازین با احتساب اصل احتیاط متناسب با شدت ریسک می‌باشد».

آیین‌نامه شماره ۱۷۸/۲۰۰۲ پارلمان و شورای اروپا به تاریخ ۲۸ ژانویه ۲۰۰۲ در خصوص امنیت مواد غذایی، با طرح اصول و قواعد حاکم بر این رشته، به اصل احتیاط اشاره دارد. برابر ماده ۷ این آیین‌نامه:

«۱. در موارد خاص که با ارزیابی اطلاعات موجود امکان وجود آثار مخرب برای سلامتی آشکار می‌شود اما عدم قطعیت علمی وجود دارد، موازین موقتی مدیریت ریسک مقرر شده از سوی کمیسیون می‌تواند اعمال گردد تا وقتی که دیگر اطلاعات علمی به منظور ارزیابی کامل تر ریسک فرا رسند.

۲. موازین انتخابی در اجرای بند ۱ جنبه تناسب داشته، محدودیت‌هایی بیش از آنچه برای حفظ سطح بالای حمایت از سلامت لازم است و از سوی کمیسیون مقرر شده با احتساب امکانات فنی و اقتصادی و سایر عوامل که برحسب شرایط مشروع تلقی می‌شوند، بر تجارت تحمیل نمی‌کنند. این موازین طی مهلت معقول با توجه به طبیعت خطر شناسایی شده، برای حمایت یا سلامت و با توجه به نوع اطلاعات علمی لازم جهت حذف عدم قطعیت علمی و انجام ارزیابی کامل تر ریسک، دوباره بررسی خواهند شد».

بدین سان اصل احتیاط به تدریج در متون قانونی وارد شده، در موارد متعدد در برخورد با پرونده‌های بزرگ زیست‌محیطی و سلامت عمومی از سوی مراجع سیاست‌گذاری و قضایی اعمال شده است؛ از جمله آن‌ها پرونده‌ای معروف به «گاو مجنون» است که امروزه در زمینه خطر شدید و تردید علمی (عدم قطعیت) جنبه مرجع به خود گرفته است. تا سال ۱۹۹۶م اعتقاد قریب به اتفاق متخصصان بر این بود که امکان انتقال بیماری حیوان به انسان وجود ندارد، و تنها اقلیتی از متخصصان قائل به انتقال آن بودند که این نظر در حاشیه قرار داشت. به این ترتیب تا این زمان آرد حیوانی برای غذای حیوانات بی‌ضرر تلقی می‌شد و رویه معمول در تغذیه حیوانات بود. تا اینکه حکومت انگلستان در ۲۰ مارس ۱۹۹۶ در جریان پرونده گاو مجنون اعلام کرد، می‌تواند میان جنون گاو و بیماری «creutzfeld-jacob» در انسان ارتباط وجود داشته باشد. سپس اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۷م بدون اینکه روند عمل را زیر سؤال ببرد با به‌صدا درآوردن زنگ خطر اعلام کرد: «خلاف اخلاق و غیرمعقول است که باقی‌مانده و زوائد حیوانات بیمار تبدیل به خوراک شده (آرد حیوانی)، برای حیوانات علف‌خوار استفاده شود».

تا سال ۱۹۹۶م به نوعی نبود خطر مربوط به استفاده از آرد حیوانی قطعیت علمی داشت، زیرا نظر اقلیت به حاشیه رانده شده بود. اما از آن پس، عدم قطعیت علمی در این زمینه حاکم گردید؛ بنابراین اصل احتیاط باید اجرا می‌شد (paul Lannoye, 2000: p. 144).

طی چند دهه اخیر، صنعت اتمی اعم از نظامی و غیرنظامی توسعه یافته و آلودگی محیط زیست از سوی ایزوتوپ ناشناخته در طبیعت را به همراه داشته است که آن هم موجب سرطان



و تغییر ژن و آسیب به سیستم ایمنی در موجودات زنده می‌شود. همواره در میان دانشمندان در خصوص خطر رادیواکتیویته درباره وجود سطح بحث بوده است. در حالی که بیشتر دانشمندان خطر سرطان و تغییر ژن را پایین‌تر از یک سطح غیرقابل توجه دانسته، رد می‌کردند، اقلیت دانشمندان همواره تعیین سطح را بی‌معنا اعلام کرده‌اند.

در سال ۱۹۹۱م کمیسیون بین‌المللی حمایت از رادیولوژی (CIPR) با لحاظ نظر اقلیت در انتشارات شماره ۶۰ خود نگاهی نو از طبیعت و اهمیت خطرهای رادیولوژی ارائه داد، و اتحادیه اروپا در دستورالعمل ۸۰/۸۳۷ اوراتم به تاریخ ۱۹۹۶م در صیانت از خطرهای رادیولوژی اعلام کرد که سطح مشخصی برای تأثیرات سرطانی و آثار ژنتیکی وجود ندارد. هر مقدار اشعه هرچند ضعیف موجب افزایش خطر سرطان و تغییرات ژنتیکی است. به این ترتیب در این سال نبود سطح به‌عنوان نظر محتاط تلقی گردید و وجود سطح به‌شدت محتمل. برابر ماده ۱۲۴ توصیه‌نامه، وجود سطح نه به‌عنوان محدوده قابل قبول، بلکه به‌عنوان محدوده غیرقابل قبول باید تلقی شود؛ در نتیجه برابر دستورالعمل‌های جدید اتحادیه اروپا، همواره سطح محدودیت به طرف پایین اصلاح شده است.

اجرای دقیق اصل احتیاط موجب پذیرش فعالیت‌هایی با درجه صفر مواد رادیواکتیویته است. اما برخورد فعلی که عبارت است از پذیرش سطحی از تشعشع، یعنی وضع قواعد ملایم در این زمینه، به لحاظ نگرانی‌های اقتصادی و فنی است که صنعت هسته‌ای گریبانگیر آن است؛ هرچند تجویز پخش عناصر رادیواکتیویته در محیط با عنوان الزامات اجتماعی - اقتصادی غیرمنطقی است (Ibid, p. 146).

امروزه آلودگی الکترومغناطیسی ناشی از خطوط فشارقوی، خطوط تلفن به‌ویژه بی‌سیم و آنتن‌های تقویت‌کننده که می‌تواند موجب ناهنجاری بیولوژیکی شدید و تخریب سیستم دفاعی بدن و ایجاد سرطان گردد، همگی موجب نگرانی شدید جوامع انسانی شده است. در همین راستا پارلمان اروپا به نام اصل احتیاط، در مه ۱۹۹۴ اقدام به صدور قطعنامه‌ای کرد که به‌موجب آن کمیسیون اروپا موظف به اتخاذ یک سری موازین با هدف کاهش قلمرو عمومی در برخورد با تشعشعات الکترومغناطیسی بدون توجه به فرکانس آن‌ها شده است. از آنجا که توصیه‌نامه کمیسیون تنها به آثار مخرب ثابت‌شده بر سلامت اکتفا کرده است، برخی صاحب‌نظران از آن انتقاد کرده و گفته‌اند: در معرض اشعه قرارگرفتن با فرکانس بالا یا پایین می‌تواند موجب اختلال در سیستم عصبی انسان و باعث بی‌خوابی شود.

با توجه به گستردگی عموم درگیر با مسئله و ریسک خطرهای شدید آن که عمدتاً غیرقابل ترمیم است و نیز نبود قطعیت علمی فعلی در خصوص آثار فیزیولوژیکی مطرح‌شده، زمینه اجرای اصل احتیاط فراهم می‌شود. اشکال کار در تعیین رابطه مقدار/ اثر مطابق با اطلاعات

موجود است که امکان وضع قانونی که تعیین‌کننده سطحی باشد که از آن سطح فراتر عموم با خطر بالقوه روبرو می‌شوند، فراهم نیست.

به نظر برخی مؤلفان، توصیه‌نامه شورا از این جهت که صرفاً با لحاظ آثار تأییدشده الکترومغناطیسی بر سلامت موجودات وضع شده و داده‌های متعددی را که بیانگر آثار غیرحرارتی شدید می‌باشد، نادیده گرفته، ناقض اصل احتیاط است. از نظر اینان، پسندیده بود که شورای اروپا بر ضرورت رعایت حریم عاری از سکنه در طول خطوط فشار قوی و آنتن‌های تقویت‌کننده تأکید کرده، توجه همگان را نسبت به ریسک خطر بالقوه خطوط تلفن به‌ویژه بی‌سیم برای کاربران جلب می‌نمود (Ibid, p.148).

همچنین امروزه در خصوص گیاهان تراریخته شاهد ورود فزاینده آن‌ها در بازار و سفره مصرف‌کننده هستیم؛ درحالی که دلایل متعددی برای نگرانی درباره آثار بالقوه این نوع محصولات بر سلامتی وجود دارد. به‌تازگی کمیسیون اتحادیه اروپا در چهارچوب دستورالعمل ۹۰/۲۲۰ به تجویز و ورود چندین گیاه تراریخته به بازار که نسبت به علف‌کش‌ها مقاوم هستند، پرداخته است (کلزا PGS، ذرت Novartis و سویا Monsanto). ذرت (Novartis) حاوی سه نوع ژن است که افزون‌بر مقاومت در برابر علف‌کش‌ها، نسبت به بیماری گیاهی معروف به گردن قرمز، کشنده و نیز در مقابل آنتی‌بیوتیک مقاوم است. از نظر برخی مؤلفان، تجویز این گیاه تراریخته مثالی از حرکت کمیسیون در جهت نادیده گرفتن اصل احتیاط و یا دست‌کم قرائتی خاص و منحرف از آن است. کشت این محصولات دارای خطرهای بالقوه زیست‌محیطی و سلامتی است که آینده آن را مشخص خواهد کرد. پس در اینجا نیز نداشتن قطعیت علمی و ریسک خطرهای غیرقابل اغماض مطرح است؛ بنابراین اصل احتیاط باید حاکم شود. در همین راستاست که حکومت‌های فرانسه و انگلستان مواد تراریخته حاوی ژن مقاوم به آنتی‌بیوتیک را ممنوع کرده‌اند و اتریش از ورود ذرت Novartis جلوگیری نموده است. بر اساس همین اصل، آلمان و دانمارک هر نوع استفاده از آنتی‌بیوتیک avoparcine در مواد غذایی حیوانی را به ترتیب در ۲۰ مه ۱۹۹۵ و ۱۹ ژانویه ۱۹۹۶ ممنوع کرده‌اند. این ممنوعیت در ۳۰ ژانویه ۱۹۹۷ طی دستورالعمل ۹۷/۶ به کل اروپا تسری یافت. استدلال کمیسیون اروپا در وضع این ممنوعیت قابل توجه است: اگر به قدر کافی داده‌های علمی قطعی وجود ندارد که موضع‌گیری آلمان و دانمارک را توجیه کند، نفی چنین خطری با قطعیت مجاز نیست. در وضعیت نبود قطعیت علمی، بهتر این است که جانب احتیاط گرفته شود و در کاهش تأثیر برخی آنتی‌بیوتیک‌ها که در پزشکی انسان جنبه ضروری دارند، کمترین ریسک جایز نیست.

### ۳. ماهیت حقوقی

به نظر برخی نویسندگان، ضوابط حقوقی با توجه به درجه مجرد بودن آن‌ها با عنوان اصل یا قاعده مطرح می‌شوند؛ چنانچه این ضوابط دارای وضعیت بالایی از مجرد باشند، یعنی اعمال نامعینی را هدایت کنند، اصل تلقی شده، و اگر بر افعال معین حکومت کنند و بنابراین به لحاظ مجرد بودن دارای محدودیت باشند، در زمره قواعد قرار می‌گیرند. به نظر برخی دیگر، اصول، پیشنهادهای حقوقی‌اند که لزوماً نوشته نیستند و عهده‌دار جهت‌دهی در حقوق‌اند که با طرح نوعی منطبق خاص در حقوق، قضات را ملزم به تلاش در جهت نوعی راه‌حل نموده، بدین‌سان حقوق موضوعه را با خود سازگار می‌کنند و به‌عنوان ابزار عملی منعطف و قابل تطبیق بر وضعیت‌های گوناگون، تاب تحمل تناقض‌ها و نیز قابلیت تفسیر گسترده را دارند. ارزش‌ها از طریق اصول به نظام حقوقی دمیده می‌شوند؛ درحالی که قواعد، دیکتاتورهای کوچکی هستند که به‌مراتب سخت‌تر ظاهر شده، به محض فراهم شدن شرایط اجرا مستقیماً و الزاماً موجب راه‌حل می‌شوند. قواعد برخلاف اصول، تاب تحمل مخالف را ندارند و معمولاً عمری کوتاه‌تر از اصول دارند (Nicolas DeSadeleer, 2000: p.119).

اصل احتیاط به این منظور طرح شده که بر وضعیت‌هایی که به لحاظ علمی محل مناقشه، پیچیده و ناهمگن است، حاکم گردد. این اصل در مقایسه با دیگر اصول حاکم بر رشته‌های حقوق محیط زیست و امنیت غذایی، به‌مراتب کلی‌تر است. بدین‌سان اصل یادشده درجه اجبار و زمان اعمال و افراد موضوع هدف را دقیقاً تعیین نمی‌کند که در چه سطحی از تردید باید به اجرا درآید؟ خطر مطرح‌شده از چه نوعی باید باشد، احتمالی، بالقوه یا قطعی؟ برای چه نوع خساراتی تعیین شده است، جدی، شدید، غیرقابل جبران، جمعی یا انفرادی؟ موازین اتخاذی باید جنبه موقتی داشته باشد یا دائمی؟

آیا اصل صرفاً جنبه سیاسی دارد؛ یعنی آن‌طور که برخی عنوان کرده‌اند، کاربرد آن تنها در راستای وضع آیین‌نامه‌ها و قوانین است یا اینکه دارای اعتبار حقوقی مستقل بوده، قابلیت استناد در محاکم و مراجع دادرسی را دارد، و بالطبع شهروندان می‌توانند در صورت نقض آن، در دادگاه‌ها به آن استناد کنند.

برای برخورداری از اعتبار ویژگی استقلال و الزام افراد موضوع هدف، ضروری است که اصل، نخست از طریق متنی با اعتبار قاعده‌سازی بیان شود، دوم اینکه متن به‌قدر کافی جنبه آمرانه داشته باشد.

هرچند گهگاه اصل احتیاط به‌نحوی ملایم و به‌گونه‌ای که در صدد اجبار نیست، در برخی متون نظیر اعلامیه ۱۳ ژوئن ۱۹۹۲ در خصوص محیط زیست آمده و یا اینکه در برخی دیگر از معاهدات مثل معاهده رتردام در پیش‌درآمد معاهده عنوان شده که هدف از ذکر آن متأثر

کردن قواعد حقوقی مقرر در متن معاهده است، اما این نوع تصریحات به‌تنهایی فاقد اعتبار قاعده‌سازی و جنبه الزام‌آوری در سلسله مراتب متون ملی و نیز از سوی دادگاه‌هاست؛ اگرچه می‌تواند زمینه‌ای برای ورود به متن معاهدات و طی کردن نخستین مرحله شکل‌گیری یک قاعده الزامی تلقی شود. وانگهی نحوه نگارش باید به‌قدر کافی الزام‌آور باشد تا آن را از وضعیت شعارگونه خارج سازد و پروتکل‌ها و مصوبات اجرایی مطابق آن وضع و اجرا شوند. در این دو صورت است که اصل جنبه استقلال یافته، بر افراد موضوع هدف حاکم می‌شود. در این وضعیت است که اصل، قابلیت استناد از سوی کشورها در مقابل محاکم بین‌المللی و همین‌طور از طرف شهروندان در مقابل دادگاه‌های ملی و اتحادیه‌ای را خواهد داشت. همچنین ویژگی استقلال است که در مواقع تزاخم با سایر اصول همچون اصل تجارت آزاد و یا اصل گردش آزاد کالا می‌تواند بر آن‌ها برتری یابد.

در صورت به‌کارگیری مکرر از سوی کشورها، اصل احتیاط می‌تواند به‌عنوان ضابطه‌ای عرفی مطرح شود. به‌نظر بسیاری از مؤلفان، امروزه به‌قدر کافی رویه عملی از سوی کشورها وجود دارد که بتوان اظهار داشت اصل احتیاط برخوردار از قاعده رویه عرف بین‌الملل است. در برخی از معاهدات، متعاهدان به رعایت اصل احتیاط هدایت و توصیه شده‌اند، مانند معاهده هلسنکی به تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۹۲ در خصوص حمایت و استفاده از جریان آب‌ها و دریاچه‌های بین‌المللی، و معاهده رتردام به تاریخ ۲۲ ژانویه ۱۹۹۸ در حمایت از رودخانه رن. باوجوداین در بیشتر معاهدات، اصل احتیاط در متن معاهده و به شکلی الزامی مطرح شده است؛ از جمله معاهده راجع به تغییرات آب و هوا و معاهده حمایت از دریای آتلانتیک شمال شرقی.

برابر ماده ۱۳۰ معاهده ماستریخ که همان بند ۲ ماده ۱۷۴ معاهده آمستردام است: «سیاست اتحادیه در زمینه محیط زیست بر اساس اصل احتیاط و رویه پیشگیری بنا نهاده شده است». به‌این‌ترتیب طرح اصل احتیاط به‌عنوان سنگ بنای سیاست در زمینه محیط زیست به‌همراه اصول پیشگیری و پیوستگی در جهت تحکیم و تقویت آن مقرر شده و از طریق ماده ۶ معاهده قلمرو اجرای اصل به دیگر رشته‌ها از جمله حمایت از سلامت عمومی گسترش یافته است. برابر این ماده: «الزامات حفاظت از محیط زیست به‌ویژه به‌منظور ارتقای توسعه پایدار باید در تعاریف، سیاست‌گذاری و اعمال اتحادیه مقرر در ماده ۳ لحاظ شود».

از آنجا که اصل احتیاط در معاهده تشکیل اتحادیه اروپا قید شده است، بنابراین نظام‌های حقوقی ملی اتحادیه ملزم‌اند تا متون حقوق ملی را با توجه به آن تفسیر و اجرا کنند. همچنین وقتی اصل در متون حقوق اتحادیه‌ای یادشده مستقیماً بر کشورهای عضو اعمال می‌شود. برای نمونه وقتی که ماده ۴ دستورالعمل ۷۵/۴۴۲ درباره زباله، اتحادیه و کشورهای عضو را به

پیشگیری، کاهش و حذف منابع آلودگی ناشی از زباله وفق اصول احتیاط و پیشگیری ملزم می‌کند، در صورت اهمال و نقض اصل احتیاط از سوی کشورهای عضو، کمیسیون می‌تواند در مقابل دیوان دادگستری علیه کشور ناقض به آن استناد کند.

نظارت بر قانونی بودن اعمال اتحادیه‌ای وفق اصول احتیاط در رویه قضایی کشورهای عضو شروع شده، با قوت ادامه دارد.

از سال ۱۹۸۰م قضاات دادگاه‌های اداری آلمان احتیاط را همچون اصل مبنایی در حقوق محیط زیست تلقی کرده، بر مقامات تصمیم‌گیرنده تحمیل می‌کنند. در فرانسه، قضاات اداری شروع به استفاده از اصل نه‌تنها در قلمرو محیط زیست، بلکه در زمینه سلامت عمومی نموده‌اند. در شروع حرکت، شورای دولتی فرانسه به‌مثابه دادگاه‌های اتحادیه‌ای اعتبار اصل احتیاط را به قلمرو سلامت عمومی تسری داد؛ جایی که هیچ قانونی معادل آنچه در زمینه حفاظت از محیط زیست حاکم بود، وجود نداشت. این شورا بارها متوسل به اصل احتیاط شده است؛ گاه برای تأیید ضوابط حمایت از سلامت و گاه برای تعلیق بخشنامه‌ای که تجاری ساختن محصول تراریخته را مجاز دانسته است.

دیوان دادگستری با استناد به اصل احتیاط مقرر در بند ۲ ماده ۱۷۴ معاهده آمستردام در پرونده «گاو مجنون»، با این استدلال که کمیسیون در اتخاذ موازین حمایت از سلامت عمومی بدون اینکه ملزم باشد تا کشف و مشخص شدن واقعیت و شدت خطر انتشار بیماری جنون گاوی در انتظار بماند، تصمیم کمیسیون اروپا را تأیید کرده است.

اصول احتیاط و پیشگیری به‌طور سنتی بر اساس نظم اداری شکل گرفته است، باوجود این وقتی از طریق نظام اداری رضایت حاصل نمی‌شود، نظام مسئولیتی می‌تواند به‌عنوان مکمل آن ظاهر شود. هرچند که مسئولیت مدنی به‌طور سنتی جنبه جبران‌کننده و درمانی دارد، اما در زمینه‌هایی که اصول احتیاط و پیشگیری حاکم است، این نقش متحول شده، جنبه پیشگیرانه بر جنبه جبرانی پیشی می‌گیرد. این تحول وقتی که احتمال ورود خسارت شدید و غیرقابل بازگشت مطرح است، بیشتر ضرورت می‌یابد. در این حالت آنچه مهم است اقدام از پیش برای جلوگیری از زیان غیرقابل جبران است و در این وضعیت، پیشگیری بر جبران خسارت تقدم پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، عملکرد جبرانی نهاد مسئولیت باید جای خود را به عملکرد پیشگیری خسارت دهد، و در جهت کمک به قربانیان و محیط زیست محل استناد قرار گیرد؛ برای مثال تقصیر باید موسع‌تر تفسیر شود و تهدید خسارتی ساده، خسارتی غیرقابل انکار تلقی گردد و دلایل اثبات برای اشخاص در معرض خطر با تخفیف در خصوص رابطه علیت سهل گرفته شود. و برعکس این اصل باید مانع از آن شود که تصمیم‌گیرندگان و عمل‌کنندگان از نبود قطعیت علمی به‌عنوان توجیه برای خطرها و زیان‌های ناشی از تصمیمات و اعمال خود

استفاده کنند. عمل بهره‌برداری نوعی فعالیت خطرزا برای دیگران باید تلقی شود که موجب ایجاد تعهد به جبران زیان ناشی از فعالیت عادی این ابزار گردد. رویه قضایی در ارزیابی مسئولیت شخص حرفه‌ای درباره محتوای اطلاع‌رسانی به مصرف‌کننده باید سخت‌گیری بیشتری از خود نشان دهد. عواقب تصمیمات امروز مسئولان ممکن است در آینده بروز کند؛ بنابراین دادگاه‌ها با توسل به اصل احتیاط باید راحت‌تر نقض تعهد مواظبت را محکوم کنند. از آنجا که بهبود حمایت از اشخاص در مقابل خطر، هدف اصل احتیاط و نظریه خطر در نظام مسئولیت است، لذا به نظر می‌رسد که این دو سازگاری بیشتر با یکدیگر دارند تا نظام مسئولیت سنتی مبتنی بر تقصیر.

گفتنی است که در حال حاضر در اتحادیه اروپا در زمینه مسئولیت در بیشتر موارد مصرف‌کنندگان اروپایی و انجمن‌هایی که آنان را نمایندگی می‌کنند باید ریسکی بودن روش و استفاده از محصولات موجود در بازار را ثابت کنند؛ مگر در خصوص علف‌کش‌ها، داروها و افزودنی‌های غذایی. با وجود این، در مواردی که اصل احتیاط ناظر و حاکم است ممکن است از تولیدکننده یا سازنده و یا واردکننده خواسته شود که نبود ریسک را ثابت کند. این امکان جنبه موردی داشته، قابل تسری به تمامی روش‌ها و کلیه محصولات قابل عرضه در بازار نیست. معقول به نظر می‌رسد که اثبات نبود ریسک خطر به‌عنوان قاعده کلی حاکم بر تمام شیوه‌های به‌کارگیری و مصرف محصولات تولیدی ناشی از فناوری نو به‌عهده بهره‌برداران اعم از تولیدکنندگان، واردکنندگان و عرضه‌کنندگان محصولات قرار گیرد ( [http://europa.eu/1\\_1\\_summaries/consumers/consumer\\_safety/132042\\_fr.htm/legislation](http://europa.eu/1_1_summaries/consumers/consumer_safety/132042_fr.htm/legislation))

ناکارآمدی مسئولیت مدنی در برخی موارد و تأثیرگذاری ضعیف محکومیت‌های مدنی به دلیل عمومیت یافتن بیمه و صندوق‌های تضمین و جبران خسارت، انگیزه‌ای است برای قربانیان سلامت و امنیت در توسل به راهکارهای کیفری. مسلماً در این صورت برای تحقق مسئولیت کیفری ناشی از نقض اصل احتیاط، باید به‌طور خاص در قانون مقرر شده باشد؛ امری که اصل قانونی بودن جرم و مجازات آن را ایجاب می‌کند. عملاً در نظام‌های حقوقی نقض اصل احتیاط با اعتبار کلی موضوع جرم‌انگاری قرار نگرفته است؛ هرچند در خصوص نقض اصل احتیاط در زمینه‌های خاص، مثل اداره زباله‌های خطرناک، متونی وجود دارد. به‌تازگی جرم‌انگاری با عبارت «دیگری را به خطر انداختن» در قوانین کشورها معمول شده است که در این نوع جرم‌انگاری‌ها بی‌احتیاطی عامل، موجب محکومیت است و تحقق ایراد خسارت الزامی نیست. این نوع جرم‌انگاری‌ها به دادگاه‌ها اختیار ارزیابی گسترده می‌دهد. دادگاه‌ها باید در هر مورد درجه خطر عامل را ارزیابی کنند. بنابراین اصل احتیاط می‌تواند منجر به این شود که قاضی نسبت به اشخاصی که به خود زحمت بررسی تمام عواقب ممکن اعمالشان را نمی‌دهند و جامعه را با خطرهای خاصی روبرو می‌کنند، سخت‌گیرتر باشد.

#### ۴. نتیجه

با استمداد از سخنان پروفیسور کلارد دوتیول (Francois Collart Dutilleul, op.cit:p. 240) می‌توان به‌عنوان نتیجه‌گیری بحث، و پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده در مقدمه گفت:

اصل احتیاط داعیه اجرا بر تمامی زمینه‌های مرتبط با امنیت اشخاص را دارد. این اصل در آغاز در خصوص صیانت از محیط زیست در متون با درجات گوناگون از نظر محتوا و ویژگی الزامی بودن مطرح شد. رویه قضایی بین‌المللی، اتحادیه‌ای و ملی، دست‌کم به‌طور ضمنی تصمیمات خود را مبتنی بر این اصل قرار داده است. سپس در بخش مواد غذایی یک سری مقررات خاص شکل گرفت که کم‌وبیش به‌طور مستقیم به این اصل ارجاع داده شده است. آنچه که اصل احتیاط نامیده می‌شود، بدون توجه به بخش موردنظر، با این هدف اولیه شکل گرفت که ریسک و خطری را که وجودش با عنایت به عناصر علمی غیرقطعی محل ظن قرار گرفته است، خنثی سازد.

مد نظر اصل احتیاط، تبدیل این عدم قطعیت علمی به یک عمل حقوقی شناخته‌شده به‌منظور ایجاد آثار حقوقی است.

در پاسخ به این پرسش که واقعاً می‌توان صحبت از یک اصل کرد، پاسخ مثبت است؛ چنانچه اصل به مفهوم ضابطه، راهبر، مجرد و با اعتبار کلی در نظر گرفته شود. این مفهوم برای تأمین ارزشی مقبول از جهت اجتماعی، داعیه هدایت تصمیم‌ها و رفتارها و همچنین ارزیابی آن‌ها را دارد.

اصل احتیاط با این مفهوم قواعد حقوقی متعددی را متحد می‌سازد، همچون اصل حسن‌نیت که قواعد متعددی را در حقوق قراردادها و حقوق مالی و... راهبری می‌کند، اما دارای این قابلیت نیز است که در وضعیت‌هایی که مشمول متون خاص نمی‌باشند به‌طور مستقیم ایجاد راه‌حل کند (اصل -قاعده). نقش اخیر عموماً وابسته به شیوه عمل رویه قضایی است تا از آن مبنایی مستقل در حقوق و تعهدات بسازد؛ همان‌گونه که برای منع آزار همسایه یا سوء استفاده از حق، عمل نموده است.

#### منابع و مأخذ

1. Belveze(H), Ligne directrices pour l'application du principe de precaution.
2. Collart Dutilleul(F), Le principe de precaution dans le reglement du 28 janvier 2002.
3. De Sadeleer(N), Reflections sur le statut juridique du principe de precaution.
4. Goffi(J-Y), Le principe de precaution: un moment nouveau dans la philosophie de la technique?
5. Lannoye(P), L'Union europeene et le principe de precaution.
6. Mormont(M), Sociologie de la precaution: risque et connaissances pertinentes.
7. Stirling(A), Sciences et risques: aspects theoriques et pratiques d'une approche de precaution.

---

8. [http://europa.eu/legislation\\_summaries/consumers/consumer\\_safety/132042\\_fr.htm](http://europa.eu/legislation_summaries/consumers/consumer_safety/132042_fr.htm).

یادآوری می‌شود که مجموعه این مقالات در سمیناری با عنوان اصل احتیاط ارائه شده و در یک مجموعه به چاپ رسیده است، از سوی:

EDWIN ZACCAI ET JEAN NOEL MISSA, sous LA DIRECTION DE A. MASSART, ED. GIUFFRÈ MILAN, 2003.

---